

- دوشنبه ۲۳ خرداد ماه ۱۴۰۱**
- سال دوازدهم - شماره ۲۳۲۰**

نامهربانی اوقاف با خدام امامزادگان همدان یا ناخدمتی اوقاف به خدام امامزادگان همدان

معوقات ۲۲ و ۱۵ ماهه خدام امامزادگان همدان

خدامی ادامه داد: بنده از حقوق ماهی ۴۰ هزار تومان در این امامزاده خدمت کردم تا حالا که حقوقم پس از ۲۰ سال به دو میلیون تومان رسیده است.

این خادم با تأکید بر اینکه طی این سال‌ها بارها به‌دلیل کم بودن درآمد و حقوق می‌خواستم کار را رها کرده و بروم اما مانع این کار شدند و در نهایت همین وضعیت منجر به فروپاشی خانواده‌ام شد چراکه کل وقت و زندگیم را صرف کارم کردم گفت: در حال حاضر حتی پول پیش برای اجاره منزل را نیز ندارم و پس از طلاق، پسرم با بنده و دخترم با مادرش زندگی می‌کند؛ کلیه وسایل منزل را نیز صاحبخانه بیرون ریخت و در یک پارکینگ انبار کرده‌ام زیرا پول پیش چهار میلیون تومان صرف تسویه حساب پول آب و برق اجاره‌خانه عقب‌افتاده شد.

وی با اشاره به اینکه بارها مشکلات معیشتی خود را به اداره کل اوقاف و امور خیریه منتقل و منعکس کردم و حتی خیریه آستان قدس رضوی نیز از شرایط اسباب و اثاثیه ما فیلم گرفت و مدیر کل اوقاف در واکنش به فیلم منتشر شده عنوان کرد پیگیری لازم را خواهد داشت اما اینگونه نشد تشریح کرد: البته روز گذشته ملاقاتی با مدیر اوقاف شهرستان داشتم که عنوان کرد شاید بتوانم حقوق‌تان را و چهار و نیم میلیون کنم که بنده نیز گفتم با داشتن دو فرزند و کار شبانه‌روزی این مبلغ کم است؛ در پاسخ به این صحبت نامه‌ای برای من ارسال شده که در صورت عدم قبول شرایط عنوان‌شده، طی چند روز آینده شما را خادم افتخاری قلمداد کرده و بیمه را قطع خواهیم کرد.

این خادم با تأکید بر اینکه در بین مدیران و مسئولان استانی (استاندار، فرماندار، امام جمعه، دو نماینده شهرستان) تنها گوش شنوای ما دادستان و مدیر کل کار بوده و ما بقی کاری برای ما نکرده‌اند اظهار کرد: آنچه مسلم است اینکه اوقاف پیشروی ما قرارداد سفید بدون مبلغ گذاشته و ما را مجبور به امضای آن می‌کند.

خدام امامزاده محسن نیز با اشاره به سابقه ۱۹ ساله خدامی عنوان کرد: در حال حاضر ۲۷ ماه است که حقوقی دریافت نکرده و از طریق کمک‌های مردمی و کمک‌های خانواده‌ام روزگار می‌گذارنم.

سیهرغرب، گروه فرهنگی – طاهره ترابی‌مهوش؛ درپی گفت‌وگو با خدام امامزادگان همدان مشخص شد این عزیزان از کمترین حقوق و مزایای قانون کار نیز بی‌بهره‌اند.

همواره در طول تاریخ اسلام و حیات جامعه اسلامی، نه‌تنها مفهوم امامت و تشخیص امام، بلکه هرگونه پیوند و ارتباط با اهل بیت و ائمه معصومین، چه به لحاظ سببی و چه نسبی، از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار بوده، حتی صحابه، یاران و دوستداران و محبان ایشان نیز، شأن و مقامی والا داشته‌اند. با دقت بر اینکه نهادهای با نام («اوقاف و امور خیریه») متولی امور رسیدگی و توسعه این اماکن می‌کند، سهم استان همدان دراین‌بین، ۲۵۵ امامزاده و بقعه متبرکه است؛ اما سؤال این است که بنا به این حجم از اهمیت آیا فکری برای معیشت خدامی که عمر خود را صرف پاسداشت هرچه بهتر و نیز تثبیت جایگاه فرهنگی این امامزادگان کرده‌اند شده است که در پاسخ متأسفانه باید گفت نه! زیرا سال گذشته بود که تنی چند از خادمان امامزادگان با حضور در دفتر سیهرغرب با دلی آنده از غم سفره دلشان را باز کرده و از حقوق نداشته و یا پرداختیشان گفتند اما کو گوش شنوا.

بر این اساس یار دیگر پای درد دل سه تن از این خادم نشستیم که در ادامه می‌خوانید:

خدام امامزاده آستان امامزاده هادی (علیه السلام) در داخل شهر همدان، با فاصله اندکی که جنوب آرامگاه باباطاهر با بیان اینکه ۲۱ سال است که خدامی این امامزاده را می‌کنم گفت: صبح کارم را با بسم‌الله شروع کرده و پس از دعا به درگاه خداوند داخل صحن و سرای امامزاده را آب و جارو کرده و تا غروب و پاسی از شب میزبانی از زائران را انجام می‌دهند.

ساقی با تأکید بر اینکه بستر برای برگزاری تمام نمازهای یومیه و نیز برنامه‌های فرهنگی و مناسبتی را در این امامزاده فراهم کرده تشریح کرد: حتی در برخی موارد کار راهنمای گردشگران را نیز انجام می‌دهم تا از همدان خاطره خوبی داشته باشند.

وی با اشاره به سابقه ۲۱ ساله خود در عرصه

علیپور با تأکید بر اینکه طی این ماه‌ها برای اینکه زیر بار حرف زور اداره کل اوقاف برای امضای قرارداد غیر قانونی نرمم آن را امضا نکرده و حقوقی نیز دریافت نکرده‌ام تصریح کرد: چگونه حقوق سه میلیون تومانی را برای کار شبانه‌روزی بپذیرم.

وی با اشاره به اینکه با وجود سابقه ۱۹ ساله خادمی در این امامزاده متأسفانه ۹ سال نیز اداره کل اوقاف تخلف کرد و بیمه مرا واریز نکرده است ابراز کرد: ظلم بی‌نهایتی که اداره اوقاف در حق خدام می‌کند بخشودنی نیست. وی با تأکید بر اینکه در حال حاضر در استان تنها خدام امامزاده عبدالله (ع) هستند که حقوق قانونی دریافت می‌کنند تشریح کرد: گرچه این مشکل همگانی خدام است اما کسی جرأت انعکاس آن را ندارد زیرا از سوی اداره مربوطه تهدید به اخراج می‌شود.



این خادم در پاسخ به چرایی وضعیت پرداختی‌ها عنوان می‌کند طبق مصوبه هیئت وزیران در امامزادگانی که تعداد خدام آن کمتر از پنج نفراند لرومی به پرداخت حقوق مطابق قانون کار نیست و اینکه این امامزاده درآمذزایی خاصی ندارد افزود: حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا من خادم باید برای امامزاده درآمذزایی کنم؟ بارها عنوان کردم اطراف این امامزاده به لحاظ موقعیت توریستی برای احداث مهمانپذیز مهیا است.

علیپور با تأکید بر اینکه طی این ماه‌ها حتی سراغی از بنده نگرفته‌اند که زنده‌ام یا مرده و تنها، از دو هفته پیش بیمه مرا نیز قطع کرده‌اند گفت: دو خادم دیگر این امامزاده نیز شرایط مشابه بنده دارند. خادم امامزاده اسماعیل نیز با تأیید صحبت دو خادم پیشین عنوان کرد: ۱۵ ماه است که حقوقی

به بنده حتی یک ریال پرداخت نشده است.

محمد فیضی با تأکید بر اینکه دو دخترم ازدواج کرده و با دو فرزند پسر یعنی یک خانواده چهار نفره بدون هیچگونه درآمذی زندگی می‌کنیم تشریح کرد: تأسف‌بارتر اینکه حتی به مباحث فرهنگی و عمرانی امامزاده نیز رسیدگی نمی‌کنند. وی با بیان اینکه میزان حقوق تعیین شده برای سال گذشته ما دو و نیم میلیون تومان بود ولی بعداً اعلام کردند که سه میلیون تومان پرداخت می‌کنیم اما تاکنون (بیش از یک‌سال است) ریالی پرداخت نکرده‌اند گفت: دیگر همکاران نیز تهدید به امضای غیر قانونی کرده‌اند.

وی در پاسخ به این سؤال که آیا خود پیگیر حقوقتان شده‌اید؟ گفت: در این زمینه ورود کردیم اما از آنجا که از حمایتی از ما نشد کاری از پیش نبردیم.

این خادم با تأکید بر اینکه متأسفانه ترس و وحشتی که اداره کل اوقاف به بهانه زیر نظر رهبری بودن ایجاد کرده تا مردم پیگیر حقوقشان نشوند

پدر مددکاری ایران گفت:

خلأ قانونی حمایت از حقوق زنان از عوامل بی‌محابا عمل کردن مردان در اجتماع

ارتقای سطح فکری و اعتماد به‌نفس فرزندان خواهد شد.

اقلیما با بیان اینکه جامعه هیچ تضمینی برای امنیت مادران سرپرست خانواده ندارد گفت: برای مثال بسیاری دیده شده که وقتی مادر سرپرست خانواده‌ای تصمیم به کار در جامعه را می‌گیرد با آسیب‌های مخربی روبه‌رو می‌شود؛ متأسفانه برخی از کارفرماها در کنار کار از زنان تنها، انتظارات غیر اخلاقی نیز دارند که غالباً این مادر و سرپرست خانواده تن به خواسته کثیف نداده و در نتیجه بیکار می‌ماند.

وی افزود: باید در جامعه جایگاه زن و مرد نهادینه شود، مردان باید به خودشان بیایند و دست از این رفتارهای ناشایست بردارند. پدر مددکاری اجتماعی ایران گفت: باید مسئولان به فکر آموزش مددکاران متخصص و دلسوز برای خانواده‌ها باشند، در قلب این خانواده‌ها مشکلات روحی بیداد می‌کند.

اقلیما افزود: بیشتر این خانواده‌ها مشکلات روحی دارند و باید به روان‌شناس مراجعه کنند؛ با توجه به هزینه‌ها دولت باید این قبیل امکانات را برای رفاه خانواده‌ها فراهم کند تا عزت خانواده زیر بار فشار اقتصادی خورد نشود.

وی با اشاره به فداکاری از خودگذشتگی مادر گفت: مادران سرپرست خانواده برای دررفاه قرار گرفتن فرزندان خود هر ذلت و مشکلی را به جان می‌خورند تا فرزندان تلخی روزگار را کمتر حس کنند. با شنیدن صحبت‌های پدر مددکاری اجتماعی ایران، درد و دل مادران سرپرست خانواده و در جریان قرار گرفتن تمام مشکلات و ناملایمات جامعه می‌توان به ضعف برنامه‌ریزی و مدیریتی جامعه اشاره کرد. این جمله که نقل و نبات دهان اکثر مسئولان است را حتما شنیده‌اید که «از دامن زن، مرد به معراج می‌رود.» همه به نقش کلیدی مادر در بنیان خانواده اشراق کامل داریم اما این موضوع صرفاً نباید در حد یک شعار باقی بماند.

در شرایط جامعه‌ای که فضای کاری برای مردان هم وجود ندارد و هر کسی به نوعی در حال جدال با مشکلات اقتصادی‌ست چگونه می‌توان انتظار داشت که زنان سرپرست خانواده برای خرج خانواده خود دست به هر کاری بزنند و عزت والای خود را به دلیل عدم مدیریت و کوتاه‌فکری برخی افراد بی‌نوعی به سخره بگیرند. این نهایت بی‌رحمی نسبت به مقام درخشان زن در جامعه‌ست. امید است با نگاه دلسوزانه مردم و اقدامات لازم مسئولان در جهت رفاه و بهبودی شرایط حاکم کشور شاهد لیخن رضایت مادران سرپرست خانواده در این سرزمین باشیم.

ناخوشایندی می‌شود که طی زمان آسیب‌های جبران‌ناپذیری به بنیان خانواده می‌رسد که تنها شاه‌کلید این قفل باید هرچه سریعتر به دست دولت چاره‌جویی شود. رئیس انجمن علمی مددکاران اجتماعی ایران خاطرنشان کرد: باید جامعه به سمتی سوق داده شود که شرایط و فرهنگسازی صحیح رفتار با مادران سرپرست خانواده در جامعه به‌درستی شکل بگیرد.

اقلیما با بیان اینکه بسیاری از مادران سرپرست خانواده به آموزش احتیاج دارند گفت: این افراد به دلیل اینکه در جامعه هستند خودشان بهتر از هرکس دیگری می‌دانند که چه کاری برای خود و فرزندان خود صلاح است اما جامعه و مردم دست و پای این خانواده‌ها را می‌بندند و باعث می‌شود به ارزش اصلی خود به‌سختی دست پیدا کنند.

وی با توجه به شرایط اقتصادی حاکم بر جامعه گفت: مطمئناً مادری که سرپرست خانواده می‌شود با یارانه ۲۰ هزار تومانی نمی‌تواند زندگی را بچرخاند و دولت باید جهت رفاه این خانواده‌ها شرایط را طوری ایجاد کند که یک مادر سرپرست خانواده نگران مشکلات مالی نباشد. وی اذعان کرد: زمانی که مادران سرپرست خانواده از پس هزینه‌های اولیه زندگی برنیایند مجبور می‌شوند تا فرزندان خود را هم سر کار بفرستند و همین امر موجب وفور کودکان کاری که زیر سن قانونی هستند در سطح شهر می‌شود.

پدر مددکاری اجتماعی ایران با بیان اینکه در این شرایط اقتصادی یک مرد هم به سختی از پس مخارج زندگی برمی‌آید چه برسد به یک مادر سرپرست خانواده گفت: مادران سرپرست خانواده با نگاه‌ها و قضاوت‌های نادرست به‌سختی کار پیدا می‌کنند و زندگی خود و فرزندان خود را می‌چرخانند تا به عزت خود و خانواده‌شان خدش‌های وارد نشود.

اقلیما با بیان اینکه برخی از محیط‌های کاری مناسب برای یک خانم تنها نیست بیان کرد: متأسفانه نگاه جامعه نسبت به یک زن سرپرست خانواده مطلوب نبوده و همین نگاه‌ها باعث آزار و اذیت روحی بیشتر این افراد می‌شود.

وی خاطرنشان کرد: اگر دولت برای جایگاه مادر سرپرست خانواده ارزش ویژه‌ای قائل شود و برنامه‌هایی جهت بهبود شرایط زندگی و فرهنگی سرپرستان خانواده داشته باشد شاهد کاهش اکثر ناهنجاری‌ها در سطح جامعه خواهیم بود. پدر مددکاری اجتماعی ایران اذعان کرد: چرا که ارج نهادن به مقام مادر سرپرست خانواده باعث

بمانند.

اقلیما گفت: در سال‌های گذشته مادران سرپرست خانواده با یادگیری مهارت‌هایی چون خیاطی و قالی‌بافی می‌توانستند تا حدودی امرار معاش کنند و از پس هزینه‌های تقریبی زندگی و فرزندان خود برآیند.

وی افزود: اما در شرایط حاکم بر جامعه یک مادر سرپرست خانواده به‌سختی می‌تواند یک شغل در محیطی که امنیت داشته باشد پیدا کند و بدون داشتن دغدغه مزاحمت‌های گاه و بی‌گاه برخی مردان امرار معاش کند.

رئیس انجمن علمی مددکاران اجتماعی ایران با بیان اینکه یک مادر سرپرست خانواده نقش‌های بسیاری را باید ایفا کند گفت: برای امرار معاش باید سر کار رفت، برای فرزندان خود مادری کند و همانند یک پدر تمام‌قد در رأس خانواده باشد.

اقلیما با اشاره به تمکن مالی اکثر مادران سرپرست خانواده گفت: بسیاری از این مادران از شرایط مالی پایینی برخوردار هستند و گاهی صراحتاً می‌توان بیان کرد که چرخ زندگی را با اندک مبلغ یارانه می‌چرخانند. وی خاطرنشان کرد: اکثر این خانواده‌ها به‌سختی می‌توانند اجاره‌بهای منزلشان را پرداخت کنند که طبق آمار اعلام‌شده ۶۰ درصد مادران سرپرست خانواده با مشکلات مالی دست و پنجه نرم می‌کنند. وی عنوان کرد: مادران سرپرست خانواده‌ای که کارمند دولت هستند در معرض مشکلات مالی کمتری قرار می‌گیرند.

پدر مددکاری ایران با بیان اینکه بسیاری از ناهنجاری‌ها از عدم توجه به جایگاه مادران سرپرست خانواده است گفت: زمانی که کودک با چالش‌های زندگی و عدم توجه مادر روبه‌رو می‌شود سعی می‌کند خلأهای درونی خود را با محیط‌های نادرست پر کند.

اقلیما افزود: اگر جامعه به مادران سرپرست خانواده توجه نکند مشکلات بسیاری به وجود خواهد آمد و امنیت روانی و اجتماعی جامعه به خطر خواهد افتاد.

وی با بیان اینکه حدود چند ماه گذشته رئیس پلیس انتظامی آماری مبنی بر اینکه نیمی از سارقان دستگیرشده نخستین بارشان بوده است گفت: این بدان مفهوم است که از روی ناچاری به این عمل روی آورده‌اند و وضعیت اقتصادی ناسامان جامعه عامل اصلی این موضوع است. وی با اشاره به شرایط نامطلوب زندگی و عدم وجود درآمد و توجه خانواده به این افراد گفت: تمام این دلایل باعث بروز اینچنین آمار



ثابت‌م یارانه است.

این مادر فداکار با بیان اینکه اگر بسته‌های معیشتی و کمک خیریه‌ها نباشد علناً قدرت تهیه

و خرید اقلام اولیه زندگی را ندارم گفت: بسیار جویای کار بودم، چند جایی هم مشغول به کار شدم اما صاحب‌کارم زمانی که متوجه می‌شد من با فرزندانم تنها زندگی می‌کنم رفتارشان تغییر می‌کرد و مجبور می‌شدم آن کار را ترک کنم.

وی با بیان اینکه اگر حامیان فرزندانم نبودند نمی‌توانستم اجاره‌بهای منزل را پرداخت کنم گفت: به همین دلیل از صبح تا عصر مشغول پرستاری از یک خانم سالمند هستم و این درصورتی است که فرزندانم را در خانه تنها می‌گذارم و تمام فکرم در طول روز با آنهاست و نگران‌شان هستم.

یکی دیگر از مادران سرپرست خانواده با بیان اینکه دو سال پیش همسرم به دلیل بیماری کرونا از دنیا رفت گفت: مقدار پس‌اندازی که داشتیم را برای خرج من و دهنی پرداخت کردیم و حالا به سختی زندگی می‌گذارنیم.

وی با اشاره به سه فرزند خود گفت: هر سه دانشجو هستند و دو نفرشان کار می‌کنند و گاهی کمک خرج من و خواهر کوچک‌ترشان هستند.

وی ادامه داد: به‌عنوان یک مادر بسیار خجالت‌زده هستم و با وجود اینکه ساعات زیادی در روز جهت نظافت ساختمان‌های کار می‌کنم اما بازهم از پس خرج‌های ابتدایی زندگی و تحصیل و هزینه‌ی فرزندانم برنمی‌آیم.

یکی دیگر از مادران سرپرست خانواده با بیان اینکه در خانه خیاطی می‌کنم تا خرج داروهای فرزندانم را درآورم گفت: دو فرزند کوچکم بیمار هستند و مجبورم ماهیانه حدود ۵۰۰ هزار تومان

سیهرغرب، گروه ریحانه‌آفرینش – ملیکا قانعی؛ پدر مددکاری ایران گفت: در جامعه ما ضوابط قانونی از حقوق زن دفاع نمی‌کند و همین امر موجب بی‌محابا عمل کردن مردان در اجتماع شده است.

جایگاه مادر در نقاط جهان و فرهنگ‌های مختلف بسیار ویژه و کلیدی است به طوری که می‌توان مادر را به قلب پندنه یک جامعه تشبیه کرد و گفت این قلب زمانی به وظیفه ذاتی خود به طور کامل عمل می‌کند که توجه به بعدها‌ی فیزیکی و معنوی اگر مورد اهمیت قرار نگیرد مطمئناً عملکرد این عضو اصلی به مشکل برخورد خواهد خورد و در نتیجه باعث از حرکت ایستادن خود و تمام اعضای وابسته به خودش می‌شود. با تمام این تفاسیر به نقش مادر سرپرست خانواده توجه کنید، مادری که به دلیل اتفاق برخی عوامل مجبور به ایفای نقش مادری در کنار قبول زحمت تمام مسئولیت‌ها و مشکلات خانواده می‌شود و متأسفانه مورد بی‌توجهی و بی‌مهری‌های جامعه قرار می‌گیرد و برای به آسایش رسیدن فرزندان خود تیرهای بیرحمانه برخی افراد جامعه و مشکلات اقتصادی خود را چون سیبیل در معرض خطر قرار می‌دهد تا روح فرزندان‌ش درهای خراش هم بردارند. مادری، که پدران کار می‌کند و باید در جامعه خود را با اخلاقی کاملاً مردانه جلوه دهد و فشار نگاه‌های قضاوت‌مندان‌ه در جامعه حضور پیدا کند و در جان بخرد تا بتواند در جامعه حضور پیدا کند و در کنار تمام مشکلات نان‌آور خانه‌اش باشد و برای تداعی شدن آرامش و رفاه حداقلی فرزندان‌ش پا به پای مردان جامعه با تن ظریف و روح لطیف خود کار کند تا بتواند عزتمندانه در کنار فرزندان‌ش زندگی کند.

روزنامه سیهرغرب دقایقی را به زنان سرپرست خانواده اختصاص داده است، زنانی که هنرمندانه با مهر مادری که در چننه دانه در برابر سختی‌های زندگی می‌جنگند و به نوعی در این آشفته‌بازار اقتصادی و فرهنگی فرزندان خود را به ندان کشیده‌اند تا از فرزندان‌شان به‌درستی محافظت کنند و سپس به سراغ مصطفی اقلیما، رئیس انجمن علمی مددکاران اجتماعی ایران رفتیم که در ادامه می‌خوانید:

یک مادر سرپرست خانواده که ۳۵ سال سن دارد گفت: به دلیل اعتیاد همسرم و آسیب‌هایی که به خود و فرزندانم می‌رساند پنج سال گذشته جدا شدم.

وی با بیان اینکه در این شرایط اقتصادی، سرپرست خانواده بودن بسیار مشکل است گفت: دو فرزند کوچک دارم و تنها منبع درآمد